

معرفی نسخه خطی «مغازی النبی» و سبک شناسی آن
(ص ۱۸-۱)

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی - پژوهشی

سال دهم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۶ - شماره پیاپی ۳۶

مهدی اسلامی^۱، مرتضی رشیدی آشجردی (نویسنده مسئول)^۲، مهرداد چترایی عزیزآبادی^۳

تاریخ دریافت مقاله: بهار ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۶

چکیده

کشمیر از جمله مناطقی است که در طول تاریخ شاعران بسیاری را به تاریخ ادبیات فارسی معرفی کرده است. یکی از شاعرانی که آثارش نماینده اهمیت و نقش موثر او در ترویج زبان فارسی در منطقه کشمیر می‌باشد، یعقوب صرفی کشمیری است که در قرن دهم هجری قمری میزیسته است. صرفی به تقلید از نظامی، مثنوی به نام «پنج گنج» را سروده که چهارمین گنج این منظومه به نام «مغازی النبی» به تقلید از اسکندر نامه نظامی، در شرح زندگی و غزوات پیامبر اکرم (ص) سروده شده و تاکنون به چاپ نرسیده است.

در این پژوهش ضمن معرفی نسخه‌های خطی مغازی النبی، مختصات سبک شناسی این اثر را در دستگاههای زبانی، فکری و بلاغی بررسی کرده‌ایم. نگارنده ضمن بررسی خصوصیات سبکی، سعی کرده چهره واقعی صرفی که مانند مورخی دقیق النظر که به روایت رویدادهای زندگی پیامبر (ص) پرداخته است، آشکار سازد.

کلیدواژه‌ها: صرفی کشمیری، مغازی النبی، سبک، نسخه خطی، پیامبر اسلام (ص)

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

Mehdiislami2010@gmail.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

51mortezarashidi@yahoo.com

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

m_chatraei@yahoo.com

۱- مقدمه

شعر و ادب فارسی علاوه بر مرزهای داخل ایران در خارج از مرزهای جغرافیایی این سرزمین مورد توجه بوده است. شبه قاره هند یکی از مراکز مهمی است که بیش از هزار سال زبان و ادب فارسی در آنجا رواج و پیشرفت داشته و ایالت کشمیر یکی از معروفترین مناطق هند است که شاعران و نویسندگان زیادی تقدیم فرهنگ و ادبیات فارسی کرده است.

تا زمان اکبر شاه گورکانی سخنوران و گویندگان کشمیر از مکتبهای فکری ایران مستقیماً مایه می‌گرفتند، ولی بعد از تسخیر کشمیر به دست سپاهیان اکبر، دروازه‌های کشمیر برای شاعران و نویسندگان هندی نژاد مثل فیضی، ابوالفضل، عبدالقادر بدیوانی و... باز شد. به طور طبیعی سبک شعر فارسی در کشمیر تحت تأثیر سبک‌های متداول در هند قرار گرفت. «در این دوره شاعران کشمیر از سبک متقدمان یعنی سبک خراسانی و عراقی در آثار خود پیروی میکردند. بعد از تسخیر کشمیر توسط اکبرشاه، در نتیجه ارتباط نزدیکتر شاعران فارسی با شاعران دربار مغول، شاعران کشمیر به سبک هندی متمایل شدند و این سبک تازه مورد تقلید آنان قرار گرفت» (کشمیرگذشته حال و آینده، سید ناصری: ص ۵۴).

۱-۱- بیان مسئله: با همه تلاشهایی که در سالهای اخیر برای شناسایی و احیای گنجینه‌های مکتوب ایران زمین و تحقیق و تتبع در آنها انجام گرفته و هزاران کتاب و رساله ارزشمند، احیاء، تصحیح و یا منتشر گشته است؛ هنوز رساله‌ها و کتب خطی بسیاری در کتابخانه‌های داخل و خارج کشور موجود است که یا شناخته نشده و یا منتشر نگردیده است. یکی از شعرای سرشناس شبه قاره هند، «ملا محمد یعقوب صرفی کشمیری» متخلص به «صرفی» متولد سال ۹۲۸ ه.ق. که هنوز آثارش آنگونه که شایسته است معرفی و مورد بررسی قرار نگرفته است. یکی از آثار مهم این شاعر «مغازی النبی» است. همانگونه که از نام اثر مشخص است منظومه در خصوص پیامبر است. تدوین اخبار جنگهای پیامبر را در اصطلاح، «مغازی نگاری» میگفتند «اما با گذر زمان و تحول در تاریخ‌نگاری، مغازی نگاری به صورت بخشی از کتب سیره رسول خدا درآمد، بگونه‌ای که سیره و مغازی به یک معنا استعمال شد.» (بررسی دانش مغازی نگاری با تأکید بر مغازی‌واقعی، یعقوبی و منتظری مقدم: ص ۱۰۱) در این پژوهش علاوه بر معرفی صرفی و نسخ خطی «مغازی النبی»، از منظر سبک‌شناسی این اثر را مورد تحلیل و بررسی قرار خواهیم داد.

۱-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق: با بررسی‌های انجام شده «مغازی النبی» صرفی تا کنون به چاپ نرسیده و در مورد ویژگیهای سبک‌شناسی کاری انجام نشده است و در مورد خود اثر اطلاعات زیادی وجود ندارد. این موضوع لزوم پرداختن به معرفی و سبک‌شناسی اثر مذکور را نمایان میکند.

۱-۳- پیشینه تحقیق: تنها برخی پژوهشگران کشمیری و پاکستانی درباره جنبه عرفانی آثار این شاعر مقاله‌هایی نوشته‌اند که تعداد و حجم آنها ناچیز است که مهمترین آنها سه مقاله «محمد ظفرخان» است که در مجله هلال به سالهای ۱۳۴۸، ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ منتشر شده همچنین دیگر آثار صرفی به جز «مسلك الاخیار» که با تصحیح محمود حسن آبادی و محمد علی زهرا زاده منتشر شده سایر آثار پنجگانه این شاعر به طبع نرسیده است. غزلیات صرفی با مقدمه میرحبیب الله کاملی در پاکستان در سال ۱۳۴۷ هجری قمری به صورت سنگی منتشر شده است. مقدمه سیزده صفحه ای غزلیات صرفی به زبان اردو است و بیشتر به زندگی وی پرداخته است.

۲- شرح احوال، معاصران و آثار

میتوان سبک فارسی سرایان کشمیر در دوره مغولان گورکانی را به سه دوره تقسیم کرد: شاعران دسته اول عبارتند از: شیخ یعقوب صرفی کشمیری، خواجه حبیب الله حبیب کشمیری، بابا علی رینه، نجمی کشمیری، بابا حیدرتیله مولی، بابا داودمشکواتی، و ... این شاعران و نویسندگان در آثار خود از سبک خراسانی و عراقی تقلید می‌کردند. شاعران دسته دوم کسانی هستند که مکتب وقوع را پیروی نموده‌اند؛ «این شاعران در کانون‌های تمدن فارسی ایران و هند تربیت یافته بودند، مظهری کشمیری، اظهاری کشمیری از این گروه‌اند. شاعران و نویسندگان دسته سوم مانند ملا طاهر غنی کشمیری، ملا محسن فانی کشمیری، گویا کشمیری جویان، ملا ساطع و ... در شعر و نثر خود پیرو سبک هندی بودند» (تذکره شمع انجمن، صدیق ص: ۳۸۱ و ۳۸۲).

صرفی در هندوستان قبل از همه، شخصیتی فاضل، دانشمند و عالم متبحر در ساحت تصوف شناخته شده است. وی از «مشایخ معروف صوفیه هندوستان» بود، «به این خاطر معتقدان و شاگردانش که شماره آنها از هزار عبور کرده بود، در اطرافش جمع آمده کوشش میکردند که مسئله‌های مرکب و بحث طلب علمی را نزد او حل کنند و از جواب و مصلحت‌های سودمندش بهره‌ها بردارند». (جانب هندوستان آید همی، غفاراوا: ص ۱۹۶)

صرفی در آغاز جوانی مدتی را در زادگاهش به ریاضت و عبادت پرداخت و بعد از آنکه رموز صوفیه و علوم عقلی، منطق و کلام و دانش‌های بلاغی را در نزد استادانش آموخت و کشمیر را به قصد سمرقند ترک کرد.

در این راه چون رهبری خواستم کمر در طلب بسته برخاستم

شنیدم که چون پیر خوارزم کس ندارد درین رهبری دسترس^۴

(ب ۳۸۸-۳۸۹)

^۴ در این پژوهش، نسخه شماره ۲۵۵۱۶ کتابخانه ملی ایران به عنوان اساس مورد استفاده قرار گرفته است.

«صرفی در حلقه اصحاب شیخ کمال الدین حسین خوارزمی - پیشوای طریقه نقشبندیه - درآمد. پس از چندی، شیخ به او اجازه ارشاد و خرقه داد» (نگاهی به تاریخ ادب فارسی در هند، سبحانی: ص ۳۲۹). سفر به سمرقند، مقدمه سفرهای طولانی و پی در پی صرفی برای رسیدن به حقیقت بود. «صرفی در این سفرها مشایخ بسیاری را دید و از ایشان رخصت هدایت گرفت و مریدان بسیاری در همه جا داشت» (تاریخ نظم و نثر در ایران، نفیسی، جلد ۲: ص ۴۷۰) از جمله این سفرها، سفر به مشهد الرضا و دیگر شهرهای ایران از جمله تربت جام، سمنان، قزوین و... بود. در طی همین سفرها به بارگاه شاه تهماسب صفوی راه مییابد و مورد توجه وی واقع میگردد:

به قزوین مرا مهربانی نمود شریف شریفی که او صدر بود
به تهماسب آن شاه کشورگشا مرا ساخت آن نامور آشنا
به حالم بسی ملتفت بود شاه من از صحبتش جسته با حق پناه
(ب ۵۳۶ - ۵۳۸)

بعد از آن صرفی به سمت عراق حرکت کرد. در بغداد درس حدیث را از «ابن حجر مکی» فراگرفت (نثر نویسی فارسی در کشمیر، آفاقی: ص ۲۰) و ابن حجر جبّه ابو حنیفه کوفی را به او داد و در آنجا با شیخ سلیم فتح پوری چشتی دیدار کرد و به طریقت چشتیه درآمد و به کشمیر بازگشت. (سبحانی، همان: ص ۳۲۹)

صرفی بعد از این سفر دور و دراز و بعد از کسب فیض علمی و عرفانی از محضر اساتید مختلف، به جانب کشمیر بازگشت و سرانجام صرفی در ۱۲ ذیقعده سال ۱۰۰۳ ه.ق. در کشمیر دار فانی را وداع گفت. (تذکره نشتر عشق، عاشقی عظیم آبادی، جلد ۲: ص ۹۱۱).

غالب کسانی که درباره صرفی مطالبی نوشته‌اند، در درجه اول او را عالم و دانشمند میدانند و معتقدند شاعری دون مرتبه صرفی بود؛ اما با همه فضل و کمال شعر میسرود و از خلق مضامین عالی غافل نبود. «(از جمله: همان: ص ۹۱۱؛ صدیق، همان: ص ۴۰۹) به گونه‌ای که شعر دوستان و ادب پروران زمان برای حل و فصل مشکلات شعر و عموماً معماهای ادبی دور به او رجوع میکردند» (غفاراوا: ص ۱۹۶). اهمیت صرفی در روش اوست، زیرا با آنکه میتواندست روش مدح پیش گرفته و نزد شاهان برود، ترجیح داده است از طریق فن شاعری به بیان دیدگاه‌های حکمی و عرفانی خود بپردازد. از این رو او را شاعری مضمون پرداز که در بند واژه‌ها مانده باشد نمی‌یابیم بلکه او از ظرف شعر برای بیان اندیشه بهره برده است.

۲-۱- آثار صرفی

صرفی نخستین شاعر کشمیر است که در مقابل خمسه نظامی گنجوی پنج مثنوی (پنج گنج) نوشت. (برگزیده از پارسی سرایان کشمیر، تیکو: ص ۸) و بدین ترتیب پیش گویی استاد خود «آنی» را تحقق بخشید.

مثنویات خمسه او عبارتند از: مسلک الاخیار(سال تصنیف ۹۹۳)در مقابل مخزن الاسرار؛ وامق و عذرا(سال تصنیف ۹۹۳)در مقابل خسرو و شیرین؛ لیلی و مجنون(سال تصنیف ۹۹۸) در مقابل لیلی و مجنون نظامی، مغازی النبی(سال تصنیف ۱۰۰۰)در مقابل اسکندر نامه، و مقامات مرشد(سال تصنیف ۱۰۰۰).

۳-مغازی النبی

مغازی النبی چهارمین اثر از پنج گنج شیخ یعقوب و به صورت نسخه خطی است. مغازی النبی در تقلید از اسکندر نامه نظامی و در احوال و زندگی پیامبر و شرح غزوه‌های اوست. این مثنوی با حمد و ثنای خداوند و نعت رسول گرامی اسلام آغاز میشود. شیخ یعقوب پس از آن به منقبت سید علی همدانی پیشوای روحانی خود و خواجه حسین خوارزمی مرشد خویش پرداخته، اما از مدح و ستایش شاهان وقت کشمیر و هند احتراز کرده است. سپس در ذیل عنوان «در بیان حقایق سفر این بنده و مشرف شدن به دیار بزرگان» درباره خانواده و مسافرت‌های خود سخن میگوید سپس هدف اصلی خود از تصنیف این کتاب را پی میگیرد و به شرح اطلاعات خود از زندگی نبی گرامی اسلام میپردازد. طوری که اطلاعات این کتاب تمام زندگی پیامبر(ص) را از تولد تا رحلت در بر دارد. بررسی این اثر نشان می‌دهد جنبه تاریخی یا به عبارتی روایی، بر ویژگیهای ادبی سیطره یافته؛ به دیگر سخن صرفی همانند مورخی آزاداندیش از منابع تاریخی آن دوره بهره برده است. (مغازی النبی، ظفرخان:ص ۲۵) به سخنی دیگر سلاست و روانی این اثر به پایه مثنویات نظامی نیست، ولی گاه گاه به اشعار خوب و دلپذیر هم برخورد می‌کنیم. (همان: ص ۲۸)

۴- معرفی نسخ

در تصحیح مغازی النبی از چهار نسخه استفاده شده است که به معرفی آنها می‌پردازیم:

۴-۱- نسخه ل

نسخه شماره ۲۵۵۱۶ کتابخانه ملی ایران، کتابت ۱۳۳۵ قمری، ۴۳۸ صفحه، نستعلیق خوش، هر صفحه ۱۷ بطیت، دارای شنگرف و جدول.

آغاز: خدایا خدایی مسلم تو راست خداوندی هر دو عالم تو راست
انجام: به نامت سخن یافته اختتام به توفیقک الان تم الکلام

این نسخه اگر چه از نظر تاریخ کتابت بعد از نسخه (ع) قرار گرفته است اما در این جا به عنوان اساس قرار گرفته زیرا نسخه (ع) افتادگیها و خط خوردگیهای مکرر دارد و گاهی برخی ابیات پاک شده است.

۴-۲- نسخه ع

نسخه شماره ۵۹۹۸ در کتابخانه دانشگاه کشمیر، حضرتبال، سینگرو ۴۰ در کتابخانه علامه اقبال لاهوری دانشگاه کشمیر. تاریخ کتابت ۱۳۰۳ هجری قمری. با افتادگی بسیار و پاک شدگی در میان

ابیات. نستعلیق، ۱۸۴ برگ و ۲۰ بیت در هر صفحه، دارای شنگرف و نیز اشعار به صورت ستونی در جدول آمده است. در عنوان‌ها گاه با نسخه (ل) و دیگر نسخه بدلها برابری ندارد.

آغاز: خدایا خدایی مسلم تو راست خداوندی هر دو عالم تو راست
انجام: به نامت سخن یافته اختتام به توفیقک الان و تم الکلام

۴-۳- نسخه م

نسخه شماره ۱۷۶۶۰ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نستعلیق به قطع ۵/۱۷*۲۵سم. ۱۰۴گ. ۱۷س. بی تاریخ دارای صفحات مجدول به شنگرف و مشکی که در آن اشعار در چهار ستون نوشته شده است و نسخه رکابه نویسی دارد. برخی واژگان را در حاشیه معنا کرده است. تزئینات جلد نیز تیماج مشکی دوروی فرسوده، درون جلد قهوه‌ای است. در فهرست نسخ خطی مجلس شورای اسلامی جلد ۴۸ صفحه ۳۲۵ در شرح این نسخه آمده است که نسخه متعلق به قرن سیزدهم است.

آغاز: خدایاجهان پادشاهی تو راست خداوندی هر دو عالم تو راست

۴-۴- نسخه ق

نسخه شماره ۶۱۳۴ در کتابخانه دانشگاه کشمیر، حضرتبال، سینگر و ۶۶ در کتابخانه علامه اقبال لاهوری دانشگاه کشمیر. کاغذ کشمیری نخودی به خط نستعلیق و رکابه نویسی شده است. عنوان‌ها به شنگرف و برخی از عنوانها طولانیتر از جای سفید شده که نویسنده برای آنها خالی گذاشته بود بنابراین باقی عنوان را در حاشیه ضبط کرده یا عنوان را خلاصه کرده و گاه فراموش کرده جای سفید را با عنوان پر کند. کاتب در برخی موارد ضبط نسخه بدل را در حاشیه نوشته است. نسخه در مجموع ۱۹۹ برگ است شامل پنج گنج صرفی که از برگ ۱۶۶ تا انتهای نسخه ابیات مغازی النبی درج شده است. این نسخه تاریخ نگارش ندارد.

آغاز: بسم الله الرحمن الرحیم سر خط منشور عطای عمیم

بیت بالا به عنوان آغاز پنج گنج درج شده است.

آغاز مغازی: خدایا خدایی مسلم تو راست خداوندی هر دو عالم تو راست

۵- ساختار سبکی مغازی النبی

پیش از این گفتیم که شاعران کشمیر را میتوان از نظر سبک شاعری به سه دسته تقسیم کرد. صرفی از جمله شاعرانی است که او باید او را در گروه نخست جای داد. گروهی که به روش عراقی و تا حدی خراسانی میسرایند. البته این نکته را نباید نادیده گرفت که صرفی اساساً پیرو سبک جامی و طور عام عراقی است.

از این جهت صرفی کشمیری نسبت به معاصران خود و حتی شاعران پارسی‌گوی کشمیر از لحاظ ادبی امتیاز قابل ملاحظه‌ای ندارد. با وجود این بررسی سبک شاعری او دیدگاه ما را نسبت به شیوه شاعرانی که در کشمیر پارسی می‌سرایند روشن می‌سازد.

«یکی از ساده‌ترین و در عین حال عملی‌ترین راه‌های تجزیه و تحلیل و سبک‌شناسی این است که متن را از سه دیدگاه زبان، فکر و ادبیات مورد دقت قرار دهیم.» (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۱۵۲) بر این اساس در این پژوهش نیز دستگاه‌های مذکور بررسی می‌شود تا از این طریق به جنبه‌های مختلف «مغازی» دست پیدا کنیم.

۵-۱- ساختار زبانی

الف) آوایی (ب) لغوی (ج) نحوی

در سطح آوایی: موسیقی بیرونی و درونی و مسائل کلی مربوط به تلفظ مانند ابدال، اماله، تخفیف و... بررسی می‌شود؛ «آنچه خصوصیات زبانی یک اثر ادبی را مشخص می‌کند عبارت است از ویژگی‌های آوایی واژگن، واژگان، گروه‌های اسمی و فعلی و جمله و ارتباط موثری که بین این اجزاء وجود دارد. آواها در شکل و محتوای متن تاثیر گذارند. در علم زبان شناسی «آوا» در حقیقت امواج هواست که خود نوعی ماده محسوب می‌شود. آواشناسی توانایی کلی انسان را در زمینه تولید و دریافت آواهایی که در زبان بکار می‌رود، توصیف می‌کند» (آوا شناسی، حق شناس: ص ۱۲-۱۱). اما در ادبیات منظور از سطح آوایی سطح موسیقایی متن است و تکرار برخی صامت‌ها و مصوت‌ها می‌تواند در این زمینه نقش آفرین باشد. در این اثر نیز همانند دیگر آثار تغییرات آوایی دیده می‌شود و این نشانگر تغییر و تحول دائمی زبان است. بررسی تفاوت آوایی واج‌گونه‌ها از لحاظ حفظ هویت و تلفظ عادی لهجه‌های هر زبانی مهم و معتبر است. یعنی «اگر در صورت‌های زبانی گوناگون، مشخصه‌های آوایی یا واج‌گونه‌ای صداها نمایان نگردد. به روشنی معلوم می‌شود که تلفظ آنها از صورت عادی انحراف داشته و همین نشان دهنده گونه‌ی تلفظی خاصی می‌باشد» (دستور زبان فارسی، مشکوه الدینی: ص ۱۳۰) فرایندهای ساخت هجا به آن دسته از عمل کردهای آوایی درون هجا گفته می‌شود که بر اثر آن به ویژه در بافت پیوند تکواژ‌های سازنده واژه، بر مشخصه‌های صوتی صداها و نیز توزیع آنها در درون هجاهای سازنده واژه تاثیر می‌گذارد. (همان: صص ۱۳۶-۱۳۷) بدین معنی که بر اثر فرآیندهای یاد شده ممکن است صامتی و یا مصوتی از یک هجا حذف و یا در آن وارد شود، یا دو صدا در یک بخش آوایی با هم آمیخته شوند، یا مشخصه‌های آوایی یک صدا تغییر یابد و یا جای دو صدا عوض شود (قلب).

هر یک از فرآیندهای یاد شده می‌تواند در ساخت هجا تغییری پدید آورد؛ هر کدام از این تغییرات هجایی را تحت عنوان حذف، افزایش، تبدیل و جا به جایی صدا (قلب) همراه با شاهد مثالهایی از صرفی کشمیری در ذیل آورده‌ایم:

۵-۱-۱-آوا

حذف

از آن جمله آن چار یار کبار
که بودند محبوب او هر چهار
(ب ۲۳۴)

به چهل سالگی خاتم المرسلین
بیمبر شد و کرد ایجاد دین
(ب ۲۹۲)

قلب

جهان آفرینا جهان پرورا
به نور هدایت نما ره مرا
(ب ۱۱۳)

ادغام

نگیرد به آن مجرمی را دگر
زهر بدتری گرچه باشد بتیر
(ب ۷۳)

قافیه: قافیه کردن واژه های غیر فارسی با واژه های فارسی و ضمائر به عنوان حروف قافیه

در اقلیم ارشاد بر تخت جاش
سر تاجداران همه زیر پاش
(ب ۳۰۵)

ز ارباب دانش محمد کپک
ز کان معارف گرفته نمک
(ب ۴۳۲)

جناس:

مُعَلَّل به اغراض کار تونه
به کار تو غیر تو یار تونه
(ب ۳۲)

رقم کرده کلک تو خیر و شر
ولیکن ز تو خیر و شر از بشر
(ب ۳۶)

واج آرایبی:

سیه بخت از آن چشمه دارد امید
که بخت سیه را بسازد سفید
(ب ۲۰۵)

دمی گر نباشد نسیمش وزان
گلستان جننت ببیند خزان
(ب ۲۰۷)

ممال:

صحیب وی آن شیخ ناصر که بود
ز ارباب علم و ز اهل شهود
(ب ۴۳۱)

اشتقاق:

به میوات دیدم عبدالملک
به سلک ذوی المعرفه مُنسلک

(ب ۵۹۲)

خطیمش محوطبه حیطان عشق ز میزایش افتاده باران عشق
(ب ۶۶۲)

۵-۱-۲ بررسی ساختار واژگانی

مضامین بدیع و نو

در شعر صرفی مضمون گرایی و ایجاد معنای نو آنگونه که در سبک هندی وجود دارد مشاهده نمیشود. هرچند در مغازی گهگاه مضمونی بدیع یافت میشود، اما کثرت آنچنانی ندارد و البته گاه مضمون ایجاد شده هنری و دلچسب نیست.

چشم غوک:

چه چاهی که بوده است نامش تبوک در او چشمه‌ای تنگ چون چشم غوک
(ب ۵۰۶۶)

وام گیری واژه‌ها در اشعار دوره بازگشت ادبی به سبک خراسانی بسیار معمول و رایج بوده است. بنابراین واضح است که در دیوان صرفی کشمیری نیز با چندان واژه‌های نو و دست نخورده روبه‌رو نمیشویم. بعضی ترکیبات آن درخور توجه است:

واژگان مهجور

ز دریای احسان به یک موج پاک بکن قالیم را ز اوساخ خاک
(ب ۱۳۶)

یکی از مجاذیب را در حصار مشرف شدم دیدمش فیض بار
(ب ۴۲۷)

خطیمش محوطبه حیطان عشق ز میزایش افتاده باران عشق
(ب ۶۶۲)

بسی را مضارب ز تجار کرد توانی توهم با وی این کار کرد
(ب ۱۳۳۷)

ز تاریکی خانه معلوم او نشد موضوع اصطجاج
(ب ۲۳۲۴)

واژه «چه دور» را در معنی دور نیست استفاده کرده:

اگر از کمال نشاط و سرور بود گریه شادی او چه دور
(ب ۱۹۸۵)

ردیف گروهی: از ردیف گروهی نیز بسیار استفاده کرده:

به پایم که افتاده بود آبله مرا شیشه باده بود آبله
(ب ۶۴۵)

تجلی مدام است بر بوقبیس تجلی تمام است بر بوقبیس
(ب۶۷۵)

صفات و ترکیبها: ساختن صفات و ترکیباتی دو یا چند کلمه ای که بخشی از آن برگرفته از آیات و احادیث است از نکات بارز در مغازی النبی است.

به کام دهانش رسد شیرناب دمادم ز پستان ام الکتاب
(ب۲۰۱)

به خوان رهش خضر آب حیات بیامیخت در دفع سم الممات
(ب۲۰۳)

تکرار و تصدیر

خزاین خزاین اگر زر بود و گرتخت و تاج سکندر بود
(ب۳۱۶)

به درگاهش از بوسه اهل دین شده حفره حفره به هر سو زمین
(ب۳۰۷)

ز فیضش سگی گشته خلوت نشین دم خوردن از شبهه تقوی گزین
(ب۳۲۶)

سگی گبر وی را شنیدیم ما سگ پیر خود را بدیدیم ما
(ب۳۲۷)

واژگان و اصطلاحات علوم مختلف

کنم طی اطوار سبغه تمام ز غیب الغیوبم رسد دل به کام
(ب۷۹۷)

به رستاق آن بحر ذوق و شهود که او را غلم نعمت الله بود
(ب۴۱۰)

واژگان فلسفی و کلامی

اگر چه صرفی صوفی است و با اصطلاحات فلسفی و کلامی آشناست ولی در این کتاب از آن استفاده چندانی نکرده و جز یکی دو مورد یافت نشد:

خدایی که فعال لایسئل است بری از خطا جمله ما یفعل است
(ب۳۱۵)

با توجه به اینکه تمام اهتمام شاعر بر ابلاغ پیام است و نیز اشاره شد که بنای نحوی این اثر بر دوری از پیچیدگی و ابهام استوار شده، لذا ویژگی یا مشخصه‌های نحوی خاصی در آن دیده نمیشود؛ میتوان گفت بارزترین مختصه نحوی مغازی النبی، حذف فعل است.

حذف فعل

رواق بلندش سستوندار نَه در آن از گل و خشت و گچ کار نه
(ب۱۰۷)
به طرح عماراتش اندیشه نَه به معماریش آزه و تیشه نَه
(ب۱۰۸)

۵-۲- بررسی سطح فکری و محتوایی

با بررسی مغازی النبی میتوان گفت که بیشتر تمرکز و نوآوری صرفی، در سرودن این منظومه، بیشتر معطوف به محتوا و تفکر حاکم بر اثر است.

۵-۲-۱- دلباختگی به پیامبر

با مطالعه مغازی به وضوح میتوان به این نتیجه رسید که صرفی ارادت ویژه‌ای به پیامبر دارد. در جای جای متن شاهد تنوع در استفاده از اسامی، القاب و عناوین مختلف پیامبر هستیم: محمد (تکرار بیش از صد وهفتاد بار)، احمد (تکرار بیش از صد بار)، «مصطفی» (بیش از نود بار)، «شه انبیا» (تکرار بیش از شصت بار)، «خیر البشر» (بیش از پنجاه بار) «رسول خدا» (بیش از چهل بار)، «خیر الانام» (سی بار)، «خاتم المرسلین»، «نبی» و...
شاعر به تناسب موقعیتها و شرایطی که پیامبر در آن قرار دارد و فضای متن ایجاب میکند بر سر شوق می‌آید و ارادت قلبی خود را به پیامبر ابراز میکند:

بده ساقی آن جام روشن مرا که برهاند از ظلمت من مرا
در آن بنگرم عکس نور نبی از آن عکس یابم حضور نبی
بیت (۹۰۰-۹۰۱)

۵-۲-۲- روایت ساده از زندگی پیامبر

در سطح فکری اثر، خواننده شاهد نوآوریهای منحصر بفردی میشود که کمتر سابقه داشته است. یکی از این نوآوریها بیان زندگی پیامبر در قالب زبان روایی و همه فهم است که تقریباً خواننده فارسی زبان بدون وقفه و مشکل در جریان زندگی پیامبر قرار میگیرد. به نظر میرسد صرفی با اتخاذ این روش سعی در زنده نگهداشتن تاریخ پیامبر داشته است نه اثبات خود به عنوان یک شاعر چیره دست.
فتاده است در اضطرابی عجب بنی هاشمی غم خورش آمدند
نموده است اخوان خود را طلب بنی مطلب هم برش آمدند
به ایشان خبر کرد از آن مشورت نهادند پا در ره مرحمت

۵-۲-۳- تصوف و سیر و سلوک

صرفی در این اثر تنها به ذکر سرگذشت پیامبر نپرداخته است بلکه ابتدا و انتهای منظومه مغازی النبی را برای بیان زندگی و عقاید و افکار خود انتخاب است. بخش عمده منظومه فکری «مغازی النبی» را اعتقادات «صرفی» در حوزه تصوف و سیر و سلوک عارفانه شکل داده است.
بیا صرفیا باز کن گوش هوش برین نکته دار از سر هوش گوش

که چون کرده سالک در اطوار سیر درین راه رفته به هر چاره سیر
(ب ۴۴۱-۴۴۲)

۵-۲-۴- «خودزندگی نامه» نویسی منظوم

یکی از انواع ادبی، زندگی نامه نویسی است. اما «ممکن است کسی خود، زندگی نامه خویش را بنویسد که به آن اتوبیوگرافی میگویند.» (انواع ادبی، شمیس: ص ۲۸۲) یکی دیگر از نوآوریهای مغازی روایت زندگی خود به صورت «زندگی نامه خود نوشت» (اتوبیوگرافی) به شکل نظم است. علاوه بر ارزش ادبی این موضوع، شاعر در ضمن روایت زندگی شخصی، خواننده را در جریان اوضاع اجتماعی و فرهنگی دوره خود قرار میدهد.

بگویم دلا بعضی از حال خویش ز حالی که بر من گذشته است پیش
(بیت ۳۳۱)
مشرف شد آن جا فقیر و حقیر به طوف مزار امیر کبیر
(بیت ۴۱۵)

۵-۲-۵- معرفی مشایخ بزرگ صوفیه

صرفی در اثنای سرودن مغازی و به ویژه در بخشهایی که درباره زندگی خود صحبت میکند از بزرگان صوفیه زمان خود و افراد سرشناس و مشهوری نام میبرد که میتواند اطلاعات دست اولی را در اختیار پژوهشگران قرار دهد.

سوی بلخ هر گه که کردم عبور به دل مرشد جامیم ریخت نور
محمد ورا نام و زاهد لقب موفق به ارشاد اهل طلب
جز او نیز آنجا ز اهل صفا مریض طلب را از ایشان شفا
۴۲۰ یکی دوست نام آن ولایت شعار که می داشتش دوست پروردگار
دگر سید روزه داری که او ز الصوم لی آمده فیض جو
بیتهای (۴۱۷-۴۲۱)

۵-۲-۶- تعلقات مذهبی:

علی رغم اینکه برخی از مورخین صرفی را اهل تسنن دانسته اند، لیکن شواهد و قراینی در متن و همچنین زندگی وی (دیدار از مشهدالرضا، حمایت شاهان صفوی از وی و...) در دست است که نشان میدهد صرفی شاعری شیعه مذهب است یا لاقلاً در سنی گری تعصبی ندارد:

دیدن شفای نابینا در مشهدالرضا

ولی بود اعمی و عیب عما نبودیش مانع ز فیض خدا
من و او در آن گنبد پرصفا که آن جاست قبر امام هدا
شبی بگذراندم با هم تمام که خواهیم فیضی ربود از امام
(ب ۴۹۸-۵۰۰)

دو چشم از غبار عمی صاف و پاک به کُحل الهی عجب سرمه ناک
(ب ۵۰۳)

خطاب از ادب کردمی یا امام همی گفتمی دم به دم یا امام
شدم باز بییدارینا دو چشم به عین بصارت شده وا دو چشم
(ب ۵۰۷-۵۰۸)

ابیاتی که در ادامه به آن اشاره خواهد شد نشان میدهد علی‌رغم مطالبی که درباره اهل تسنن بودن صرفی بیان میشود، او شاعری محب اهل بیت است و گاه اقرار به رافضی (شیعه) بودن میکند:

ز حـب علـی و محبـان او اگر رافضی گوییم گو بگو
(ب ۶۱۴۸)

علی از من است و منم از علی پس از من علی مر شما را ولی
نکرده بر این یک سخن اکتفا دگر نیز فرموده اش مصطفی
که هرکس که هستم من او را ولی ولی بر وی البته باشد علی
(ب ۶۱۳۶-۸)

۵-۳- ساختار بلاغی

«زبان ادبی، زبانی است مخیل و تصویری، یعنی مرکب از تشبیه و استعاره و مجاز و ... است.» (بیان، شمیسا: ص ۳۸) ساختار بلاغی دربر دارنده تمام مؤلفه‌های بدیع معنوی و بیان است. پیشتر اشاره کردیم که جنبه تاریخی اثر بر جنبه‌های ادبی آن رجحان دارد، به عبارتی متن بیش از آنکه بر ادبیت کلام متمرکز شود، معنماحور است، در نتیجه مخاطب با حوزه‌های بلاغی خاص مواجه نمیشود، به ویژه اینکه این اثر تقلیدی از نظامی است و بر همین مبنا ذهن مخاطب فریخته در انتظار گونه‌های متنوع بلاغی میباشد، لکن با تعمق در این متن ذهنیت مذکور کمتر محقق میشود؛ البته این بدان معنا نیست که صرفی از تمام ممیزه‌های بلاغی صرف نظر کرده است؛ شاخصترین مختصات بلاغی این اثر را میتوان بدین گونه دسته بندی نمود:

ارسال المثل:

همان آس در کاسه باشد اگر لب از شوربایش کنی باز تر
(ب ۲۶۴۰)

خبردار از این نکته خود هر کسی که تا دیده فرق از شنیده بسی
(ب ۳۲۸)

استخدام:

لقب آفتی و به طبع لطیف شده آفت هر وضع و شریف
(ب ۴۹۵)

پس از مشهد طوس رفتم به جام و ز آن جام دیدم شرابی به کام
(ب ۵۱۲)

اغراق:

مرصع کمر از زر و لعل ناب
(ب ۸۰)

ز لطفش ببین کوه را کامیاب

التفات:

رسیدیم و بنشاندم آن طفل را
(ب ۱۲۰۵)

به دروازه شهر ام القری

تصویرگری:

حنا بستهای پنجه در دست داد
(ب ۸۲)

به دریا که مرجان رنگین نهاد

چو آن تخم مرغی که کوبی به سنگ
(ب ۳۲۱۷)

بکوبیم من آن قلعه را بی درنگ

تضاد:

بود گریه شادی او چه دور
(ب ۱۹۸۵)

اگر از کمال نشاط و سرور

فنایش ز غیر و بقا با خداست
(ب ۲۶۷)

تقی آنکه تقوایش از ماسواست

تضمین آیات و احادیث:

کاملت الارض ظلماً و جور
(ب ۲۷۲)

پر از عدل سازد جهان را به فور

و من تنزع الملك ممن یشا
(ب ۹۶)

خدای سلاطین و کشور گشا

تلمیح

از آنجا که صرفی اقدام به سرودن زندگی پیامبر نموده است، به تبع آن از آیات و احادیث گاه به شکل اشاره و گاه به شکل تضمین بسیار استفاده کرده است.

بیامیخت در دفع سم الممات
(ب ۲۰۳)

به خوان رهش خضر آب حیات

ز سوگند العصر عصرش مراد
(ب ۲۱۹)

به عصرش در رحمت ایزد گشاد

رجوع و استدراک

مقامش رفیع و مکانش جلیل
(ب ۴۶۴)

به میدان ملک خوی سید خلیل

خلیلی دگر در قراکول نیز نبوده است سید ولی بس عزیز
(ب ۴۶۵)

به سوی قراکول زانجا عبور نمودیم و دیدیم دارالسورور
(ب ۴۷۷)

خلیلی که مذکور شد کرد حل بسی مشکلاتم به علم و عمل
(ب ۴۷۸)

طرد و عکس

علی ولی آن ولی علی بود رازهای نهان منجلی
(ب ۲۵۱)

ز لطف تو قهرتو ای الهه گهی کاه کوه و گهی کوه کاه
(ب ۵۲)

معما گویی

فن تعمیه بردم از وی به کار به نوعی که گشتم و زان نامدار
(ب ۳۶۶)

معما که فکری است نزد خرد بدیهه همیگفتمی بیعد
(ب ۳۶۷)

گذر جانب ملک ترکان هوس چو کردیم رفتیم در شهر یس
(ب ۴۶۸)

نه یس بلکه یاسین بود در رقم عیان فیض یاسین از او دم به دم
(ب ۴۶۹)

غلو و اغراق: صرفی در خلال اشعارش ذکر کرده که اهل اغراق نیست:

گر اغراق و تشبیه و امثال آن کم از ساحری نبود اندر بیان
(ب ۸۴۳)

چو باشد در آن پرتویی از دروغ از آن پرتو اصلا نیابد فروغ
(ب ۸۴۴)

ایهام تضاد

اگر چه به شعر اکذبش احسن است ولی قبحش از کذب او روشن است
(ب ۸۴۵)

تشبیه

از آرایه تشبیه در این متن بسیار استفاده شده است، به خصوص تشبیه بلیغ (اضافه شبیهی) از بسامد بالایی برخوردار است. نمونه‌ای از تشبیهات بلیغ و تشبیه مضمیر: بر تمکین، نخل قدم، آفتاب هدیت، دریای احسان، زنگ غفلت، بحر حیا، بحر جود، بحر عرفان، دریای فیض، کوه وقار، مرآت دل،

رُخش شمع و عالم همه خانه‌ای
بر آن شمع جبرئیل پروانه‌ای
(ب۱۶۷)

خرد شیرخواری زپستان صنوع
هجاخوان فلک در دبستان صنوع
(ب۲۸)

کنایه

کنایات این اثر با توجه به مطالب پیش گفته، عمدتاً روشن و واضح است. در این متن خواننده با گونه‌های رمز رو به رو نیست، بلکه بیشتر کنایات از گونه ایما میباشند که معنای آنها صریح و خالی از پیچیدگی است:

جهان راچو یک پای بر سر نهاد
بر اوج فلک پای دیگر نهاد
(ب۳۰۹)

اگه پایش آگنده پر باشدش
وگر سنگ در زیر سر باشدش
(ب۳۱۱)

به دستی که در دامن کس زخم
فتد دامن تو از آن دامنم
(ب۱۴۳)

بدانجا رسیدند آن شامیان
به قتلش زده دامن‌اندر میان
(ب۹۳۴)

۶- نتیجه گیری

صرفی یکی از شاعرانی مطرح قرن دهم است که آثارش نماینده اهمیت و نقش موثر او در ترویج زبان فارسی در منطقه کشمیر میباشد، بارزترین ویژگی صرفی کشمیری که باعث شهرت او شده است سرودن مثنویهایی به تقلید از نظامی به نام «پنج گنج» است. چهارمین بخش این منظومه به نام «مغازی النبی» میباشد که هنوز چاپ نشده است. این اثر به تقلید از سبک اسکندر نامه نظامی است؛ موضوع مغازی احوال، زندگی و شرح غزوات پیامبر اکرم(ص) است.

با بررسیهای خصوصیات فکری، زبانی و بلاغی در میابیم که صرفی سعی نموده اشعارش را به سبک خراسانی و خصوصاً عراقی نزدیک کند. او بیش از همه سعی کرده مقلد نظامی گنجوی باشد. هرچند از نظر زبانی و بلاغی بسیار ضعیف عمل کرده است؛ یعنی استعاره‌ها و مضمون آفرینیها نظامی در مغازی یافت نمیشود. با توجه به اینکه صرفی یک شاعر متصوف است در جای جای شعر او کلمات عرفانی و فلسفی خود را نشان میدهد. با بررسیهای انجام شده در دستگاههای آوایی، واژگانی، نحوی و بلاغی به این نتیجه میرسیم که او بیشتر درصدد بیان مضمون بوده است تا درگیر شدن در فن شاعری. او همانند یک مورخ دقیق به شرح رویدادهای و حوادث زندگی پیامبر(ص) پرداخته و تلاش کرده است تا حد امکان این وقایع را به دور از ابهام به خواننده منتقل نماید؛ اگر چه در این زمینه موفق شده ولی نتوانسته ضعفهای خود را در زمینه خصوصیات بلاغی و زبانی پنهان کند. صرفی از ابزارهای ادیبی که ادبیت دستگاههای مختلف متن را به دلیل موضوع کتاب بسیار برجسته نماید، پرهیز میکند. هر جا که صرفی از ابزارهای ادبی استفاده کرده

است سعی داشته تا متن از روانی و روایی بودن فاصله نگیرد به عنوان مثال در استفاده از کنایه تنها از کنایاتی که عمدتاً روشن و واضح است استفاده کرده است و خواننده متن با گونه‌های رمز روبه رو نیست، بلکه بیشتر کنایات از گونه ایما میباشند که معنای آنها صریح و خالی از پیچیدگی است. آنجا که صرفی اقدام به سرودن زندگی پیامبر نموده است، به تبع آن از آیات و احادیث گاه به شکل اشاره و گاه به شکل تضمین بسیار استفاده کرده است و این موضوع بسآمد بسیار بالایی دارد از لحاظ محتوایی و فکری اثر بیشتر بیانگر ارادت به پیامبر و خاندان ایشان و همچنین بازگو کردن کرامات حضرت پیامبر و شناساندن اکابر صوفیه و طریقت آنان است.

منابع

۱. آوا شناسی (فونتیک). حق شناس، علی محمد. (۱۳۷۶). تهران. انتشارات نقش جهان.
۲. انواع ادبی. شمیسا، سیروس. (۱۳۸۱). چاپ سوم، تهران. انتشارات فردوس.
۳. بررسی دانش مغازی نگاری با تأکید بر مغازی‌واقدی. یعقوبی، مهدی و منتظری مقدم، حامد. معرفت. سال بیست و سوم. شماره ۱۹۶ فروردین ۱۳۹۳. ص ۱۰۱.
۴. برگزیده از پارسی سرایان کشمیر. تیکو، گرداری لعل. (۱۳۴۲). مقدمه دکتر محمد معین. تهران. انتشارات انجمن ایران و هند.
۵. بیان، شمیسا، سیروس. (۱۳۸۷). چاپ سوم، تهران. نشر میترا.
۶. تاریخ ادبیات در ایران. صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۸). چاپ هشتم، تهران. انتشارات فردوس.
۷. تاریخ نظم و نثر در ایران (تا پایان قرن یازدهم). نفیسی، سعید. (۱۳۶۳). تهران. انتشارات فروغی.
۸. تذکره شمع انجمن. صدیق حسن خان، محمد صدیق. (۱۳۸۵). تصحیح و تعلیقات: محمد کاظم کمدویی، یزد. انتشارات دانشگاه یزد.
۹. تذکره نشتر عشق. عاشقی عظیم آبادی، حسین قلی خان. (۱۳۹۱). تصحیح و تعلیقات: سید کمال حاج سید جوادی، تهران. مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
۱۰. جانب هندوستان آید همی. غفاروا، ضمیره. (۱۳۹۰). «مقاله: خداوندگار پنج گنج و هفت بیت؛ نگاهی به روزگار و آثار صرفی کشمیری»، دهلی نو. مرکز تحقیقات فارسی راینی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران - دهلی نو.
۱۱. دستور زبان فارسی. مشکوة الدینی، مهدی. (۱۳۸۴). تهران. انتشارات سمت.
۱۲. دیوان اشعار. صرفی کشمیری. (۱۳۸۷). به اهتمام میرحبیب‌الله کاملی، چاپ سنگی.
۱۳. ساخت آوایی زبان. مشکوة الدینی، مهدی. (۱۳۷۴). مشهد. انتشارات دانشگاه فردوسی.

۱۴. کشمیر در عهد اکبرشاه. ظفرخان، محمد. مجله هلال، آبان ۱۳۴۰، شماره ۳۶، (صفحه ۴۸ تا ۵۵).
۱۵. کلیات سبک شناسی. شمیسا، سیروس. (۱۳۷۸). تهران. انتشارات فردوس.
۱۶. مسلک الاخیار. صرفی کشمیری (۱۳۹۳). مقدمه و تصحیح محمودحسن آبادی، محمدعلی زهرازاده، مشهد. انتشارات مرنديز.
۱۷. مسلک الاخیار. ظفرخان، محمد. مجله هلال، آبان ۱۳۴۸، شماره ۹۳، (صفحه ۲۹-۳۳).
۱۸. مغازی النبی. صرفی کشمیری. نسخه خطی به شماره ۲۵۵۱۶ کتابخانه ملی ایران.
۱۹. مغازی النبی. صرفی کشمیری. نسخه خطی به شماره ۴۰ دانشگاه علامه اقبال لاهوری.
۲۰. مغازی النبی. صرفی کشمیری. نسخه خطی به شماره ۳۴/۶ دانشگاه کشمیر.
۲۱. مغازی النبی. صرفی کشمیری. نسخه خطی به شماره ۱۵۴۷۸ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
۲۲. مغازی النبی. ظفرخان، محمد. مجله هلال، شهریور ۱۳۵۰، شماره ۱۱۵، (صفحه ۲۵-۲۸).
۲۳. نثر نویسی فارسی در کشمیر (از ۷۴۷ تا ۱۳۰۰ق)، آفاقی، صابر. مجله هنر و مردم، شماره ۹۶ و ۹۷. ۱۳۴۹. صفحه ۱۸-۳۱.
۲۴. نگاهی به تاریخ ادب فارسی در هند. سبحانی، توفیق. (۱۳۷۷). تهران. انتشارات دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.